

نقش خداباوری در شادکامی انسانها در آیات و روایات

نسرین نوارانی^۱

چکیده

اهمیت موضوع شادی در اسلام با نگاهی در آیات متعدد در قرآن کریم، سخنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و احادیث و روایات منقول از ائمه معصومان عَلَيْهِ السَّلَام روشن می‌شود. مفهوم شادی ۲۰ بار با الفاظ مختلف در قرآن کریم آمده و در کتاب‌های حدیث نیز بابی با عنوان «ادخال السرور» به شادکامی اختصاص یافته است در آیین اسلام از کسانی که موجبات دلخوشی و شادکامی بندگان خدا را فراهم می‌آورند، به نیکی یاد شده است. تحقیقات انجام شده در این خصوص بیانگر این حقیقت است که تئوری شادکامی در اسلام، بر «توحید» مبتنی است که به معنای «واقعیت‌شناسی توحیدی» و «هماهنگ‌سازی با واقعیت‌های توحیدی» مربوط به شادکامی می‌باشد. بر اساس این تئوری، شادکامی بر واقعیت‌هایی مبتنی است که توسط خداوند متعال تقدیر شده و دستیابی به آن نیز راه خاصی دارد که باز توسط خداوند متعال تنظیم شده است. شناخت این واقعیت‌ها و پذیرش آنها، از سویی موجب «رضامندی» از تقدیرهای خداوند متعال می‌شود، چون آنها را مبتنی بر «خیر» می‌بیند. همچنین موجب «نشاط» می‌شود، چون لذت‌های مورد نیاز را بر اساس الگوی الهی آن تأمین می‌کند. شادی و نشاط و سرور، یکی از نیازهای روحی و فطری انسان است که در بسیاری از جنبه‌های حیاتی انسان نقش مؤثری ایفا می‌کند. دین اسلام که به تمام نیازهای روحی و جسمی انسان توجه داشته، این موضوع را نیز مورد توجه قرار داده است.

واژگان کلیدی: خداباوری، شادکامی، قرآن کریم، روایات، امیدواری.

^۱ - طلبه سطح دو حوزه علمیه صادقیه تبریز

۱. مقدمه

خنده، شوخی و شادمانی ویژگی شایسته انسانهاست که از گستره احساسات آنان دستچین می شود، نشان از نشاط روحی داشته و موجب بردباری و شکیبایی آدمی می شود. ره آورد این صفات سه گانه، رهایی انسان از فرسودگی خاطر و دوری از پژمردگی گلبرگهای وجود بوده که در پرتو آن آرامش، آینده نگری و بصیرت افزون تری در تصمیم گیریها فراهم شده و دشواری کمتر و کامیابی بیشتری در مسیر زندگی خواهد بود. به جرئت می توان گفت که این موضوع از اهمیت بسیار والایی در زندگانی برخوردار می باشد.

فرض بر این است که خدااباوری و آشنایی با آیات الهی و سیره و احادیث پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام و بررسی نظرات آنها در خصوص بحث شادکامی، بار سنگین سختیها را از دوش ما می کاهد و به زندگی ما شادابی و هدف می بخشد و تمامی ناهمواریهای زندگی با آرمانی الهی و روحانی هموار می نماید. چون الگوهای حقیقی ما در راه دستیابی به هدفهای والا، بیشتر از همگان دچار رنج و سختی شده اند، اما همه را برای خدا و در راه خدا دیده و تحمل کرده، همواره شادی و نشاط روحی خویش را در سپاس از پروردگار خود بیان کرده اند و این شادمانی حقیقی و جاودان بوده و خواهد بود. شادمانی و نشاط باعث ارتقای زندگانی انسان گردیده، تحرک، پویایی و نشاط را در انسان و جامعه موجد می گردد. انسانهای سالم و با ایمان نه ترس و نه اندوهی داشته با طیب خاطر به فعالیت و تلاش مشغول هستند. حال این سؤال مطرح است که خدااباوری در شادکامی انسانها در آیات و روایات دارای چه نقش و جایگاهی است.

۲. چیستی شادکامی در اسلام

انسان برای شاد زیستن خلق شده است و تمام لوازم شاد زیستن را نیز در اختیار دارد. اکثر مردم توافق دارند که شادی آرامش خاطر و رضایت باطن است. «نشاط» و «رضا» دو مؤلفه ساختاری سعادت و شادکامی در اسلام است،^۱ مراد از رضامندی، احساس خرسندی از مجموع زندگی و مراد از نشاط نیز سرزندگی، بشاشی و پویایی در مجموع زندگی است. در توضیح این امر باید گفت که ساختار شادکامی از یک سو، باید با تعریف سعادت، و از سوی دیگر، با واقعیت‌های زندگی متناسب باشد. معادل شادکامی در ادبیات اسلامی، سعادت است. در ماهیت سعادت، دو مفهوم اساسی وجود دارد: که یکی، «خیر» و دیگری، «سرور».^۲ بنابراین، می‌توان گفت که سعادت، ترکیبی از خیر و سرور است.^۳

۳. مبانی نظری شادکامی

شادکامی دارای دو بعد تکوینی و تشریحی است این دو اصل مبنای نظری شادکامی را تشکیل می‌دهد:

اصل اول، به بعد تکوینی شادکامی مربوط است و رویکرد هستی‌شناختی دارد. سعادت و شادکامی انسان، یک «حقیقت موجود» است که هر چند جرم مادی و قابل رؤیت ندارد، اما دارای ماهیتی است که آفریده شده و وجود دارد و از این رو، همانند دیگر آفریده‌ها، حقیقتی است که قوانین خاص خود را دارد. بی‌تردید، سعادت و شادکامی، ماهیتی دارد که تقدیر و اندازه‌گیری شده و از برنامه‌ای مشخص پیروی می‌کند. همچنین برخی امور هستی، مانند ماهیت انسان، دنیا و آخرت و اموری از این دست نیز هستند که با شادکامی ارتباط پیدا می‌کنند و قوانین خاص خود را دارند. همه این مجموعه در شادکامی مؤثر است و مراد از قوانین حاکم بر شادکامی، همه این مجموعه می‌باشد.

اصل دوم، به بعد تشریحی شادکامی مربوط است و رویکرد قانون‌شناسانه دارد. براساس «هست و نیست»‌های شادکامی که از آن به واقعیت‌ها یاد شد، «باید و نباید»‌های آن به وجود

^۱ - پسندیده، مبانی و عوامل شادکامی از دیدگاه اسلام با رویکرد روانشناسی مثبت‌گرا، ص ۶۵.

^۲ - ابن فارس، معجم المقاییس فی اللغة، ذیل ماده.

^۳ - پسندیده، مبانی و عوامل شادکامی از دیدگاه اسلام با رویکرد روانشناسی مثبت‌گرا، ص ۶۶.

می‌آیند. بر اساس واقعیت‌های حاکم بر ماهیت شادکامی، اموری را باید انجام داد تا شادکامی تحقق یابد، و اموری را باید ترک کرد تا شادکامی آسیب نبیند. این، بعد تشریحی شادکامی را تشکیل می‌دهد.^۱

روشن می‌شود که شادکامی، همانند هر امر دیگری ماهیتی دارد (بعد تکوین) که برای تحقق آن باید اموری را رعایت کرد (بعد تشریح). این بحث، رویکردی پدیدارشناسانه دارد. مسئله مهم این است که این مجموعه (تکوین و تشریح) به دست چه کسی تنظیم می‌شود؟ این بحث رویکردی پدیدآورشناسانه دارد. پاسخ به این پرسش می‌تواند مسئله اصلی این پژوهش را حل کند که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۳-۱. خداباوری به عنوان پایه شادکامی

آنچه از متون دینی، یعنی قرآن، کتب احادیث مستفاد می‌شود این است که شادکامی که منبای نظری مستحکم توحید، به عنوان پایه شادکامی می‌باشد. در حقیقت، شادکامی بر «واقعیت‌های توحیدی» مبتنی است که اگر شناخته شوند و فرد خود را با آنها تنظیم کند، رضامندی و نشاط تحقق می‌یابد و در نتیجه، به شادکامی دست می‌یابد. در توضیح و تبیین این جمله باید گفت که همه امور مربوط به شادکامی، واقعیت‌هایی دارند که از توحید سرچشمه می‌گیرند، از این رو آنها را «واقعیت‌های توحیدی» می‌نامیم. این واقعیت‌ها، مجموعه مبانی‌ای را تشکیل می‌دهند که چون همه آنها بر محور توحید می‌چرخند، می‌توان «مبانی توحیدی شادکامی» نیز نام نهاد. مبانی توحیدی، چهار گونه‌اند: مبانی خداشناختی، جهان‌شناختی، انسان‌شناختی و دین‌شناختی. علت چهارگونه بودن مبانی نیز آن است که شادکامی، به «انسان» مربوط است که در محیطی به نام «جهان» زندگی می‌کند و برنامه‌ای به نام «دین» دارد. هر کدام از این سه ضلع، مشخصات و ویژگی‌هایی دارند که بدون در نظر گرفتن آنها نمی‌توان به شادکامی دست یافت. تا ویژگی‌های جهان، به عنوان محیط زندگی انسان و ظرف تحقق شادکامی، و تا ویژگی‌های انسان به عنوان موجودی که درباره شادکامی او بحث می‌شود، و تا ویژگی‌های دین به عنوان برنامه زندگی انسان، شناخته نشود، تحقق شادکامی ناممکن است. و جالب اینکه همه این امور سه‌گانه نیز توسط «خداوند متعال» تنظیم و تقدیر شده‌اند. البته میان مبانی چهارگانه شادکامی که مجموعه

^۱ - همان، ص ۵۰۵.

«توحید» را تشکیل می‌دهند، نظام خاصی برقرار است. در این مجموعه، مبانی خداشناختی در رأس قرار دارد و از آن، مبانی جهان‌شناختی، انسان‌شناختی و دین‌شناختی سرچشمه می‌گیرند. بنابراین، تحقق شادکامی وابسته به «واقعیت‌شناسی توحیدی» و «هماهنگ‌سازی با واقعیت‌های توحیدی» است. اگر همه ابعاد انسان و زندگی‌اش بر اساس توحید تنظیم شود، شادکامی تحقق می‌یابد. لازمه این کار، ایمان به خداوند است. خداوند متعال برنامه شادکامی را تنظیم نموده و کسی که بخواهد به شادکامی دست یابد، باید با تمام وجود، خدا را با تمام ابعادش «باور» داشته باشد و از برنامه‌هایش پیروی کند.^۱

۲-۳. مزاج و شادمانی

در برخی فرهنگها و مناطق جغرافیایی بعضی از مردم به این ویژگی شهره شده‌اند و هر جا به طنز، شوخی و یا مزاح پرداخته می‌شود، از سخنان شیرین، نکته‌های زیبا، حاضر جوابیها و یا فکاهیه‌های دلپذیر آنها سخن به میان می‌آید، اما در تمامی ملت‌ها نوعی شوخ طبعی و نشاط آفرینی وجود دارد، چنان که در بین پیشوایان قدسی و معصوم علیه‌السلام و اصحاب و یاران چنین صفت دل‌پسندی به چشم می‌خورد. افزون بر شوخی، «شادی و شادمانی» که در فرهنگ دینی، «سرور» نام گرفته، صفتی پنهان و قلبی است که به خاطر دستیابی به خیر و منفعت و همراه با لذت درونی انسان خواهد بود. از این رو مفهوم سرّ یا ویژگی ناپیدا در آن وجود دارد و صاحب نظران آن را «شادی خالص قلبی» دانسته‌اند. فرح، واژه‌ای معادل سرور است و سرور محصول اندیشه و تفکر انسان بوده و هیچ صفت ناپسندی به دنبال نخواهد داشت. گرچه در قرآن کریم فرح و شادی گاه در جلوه‌ای ستایش شده بیان گردیده است: «يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ. بِنَصْرِ اللَّهِ»^۲ و گاهی در چهره‌ای نکوهش شده و ناپسند: «فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ»^۳.

در نگاه رهبران مذهبی، شادی و سرور موجب گسترش نشاط، آرامش و آسایش روح گردیده، همان‌گونه که غم و اندوه این دو را به هم زده، نوعی گرفتگی و در خود فرورفتن ایجاد می‌کند و دستاورد آن تسلط و قدرت عقل بر امور خواهد بود.

^۱ - پسندیده، صص ۱-۳۰.

^۲ - روم: ۵۴

^۳ - توبه: ۸۱

شادکامی، اعتماد کردن به خدا و تسلیم او بودن و تحقق بخشیدن به ابعادی است که خداوند در شادکامی قرار داده است.^۱

۶-۲. ربوبیت و تدبیر شادکامی

خدا «پروردگار» (ربّ) همه هستی است، از این رو اختیاردار همه چیز است و همه امور هستی را او تقدیر و تدبیر می‌کند و کسی جز او در این کار دست ندارد. از آنجا که شادکامی یکی از حقایق عالم است، زیر مجموعه توحید ربوبی نیز قرار می‌گیرد. ربوبیت توحیدی شادکامی به این معناست که خداوند متعال، صاحب اختیار و مولای شادکامی است و پروردگاری و اصلاح تکوینی و تشریحی آن به دست اوست. بر اساس توحید ربوبی، اختیار شادکامی به دست خداوند متعال است و هموست که با تنظیم قوانین تکوینی و تشریحی، پروردگاری آن را انجام می‌دهد. بنابراین، برای دستیابی به شادکامی باید تسلیم خداوند بود و به آنچه او برای تحقق شادکامی قرار داده، عمل کرد تا در نهایت، خداوند متعال شادکامی را به انسان ارمغان دهد.^۲

۶-۳. مقدریت و تقدیر شادکامی

خدا «اندازه گذارنده» (مقدّر) است و برای هر چیزی اندازه‌ای مشخص کرده است. در نظام آفرینش، همه چیز بر اساس اندازه‌گیری و تقدیر خاصی از جهات مختلف، چون طول و عرض و دوام و مهلت‌ها و روزی‌ها استوار است. این امر نشان می‌دهد که همه چیز بر اساس خواست خداوند متعال تنظیم شده است، از این رو او به ماهیت امور از هر کسی آگاه‌تر می‌باشد و هر آنچه او در باره آنها بیان می‌کند، بهترین دستور است. بنابراین، راه رسیدن به شادکامی، عمل به اموری است که او عامل شادکامی قرار داده است و حرکت بر خلاف آن، موجب ناکامی و ناشادکامی می‌شود.

^۱- پسندیده، مبانی و عوامل شادکامی از دیدگاه اسلام با رویکرد روانشناسی مثبت‌گرا، ص ۸۹

^۲- همان، ص ۹۰

۴-۶. خداباوری و التذاذ مادی و معنوی

از ابعاد مهم ایمان، استفاده از لذت‌های دنیوی است. خداوند متعال تصریح می‌فرماید که لذت‌های پاک از آن اهل ایمان است و تنها از فحشای آشکار و نهان، نهی کرده است،^۱ از این رو از مؤمنان خواسته است که لذت‌های حلال را بر خود حرام نکنند.^۲ بنابراین، خداباوری عاملی برای استفاده از لذت‌ها می‌باشد، و انسان‌های خداباور، از لذت‌های حلال استفاده می‌کنند. همچنین انسان‌های خداباور از لذت‌های معنوی نیز استفاده می‌کنند. محور اساسی این بخش، ارتباط با خداوند متعال است. یاد خدا موجب «آرامش و اطمینان نفس»،^۳ «جلای دل‌ها»،^۴ «شرح صدر»،^۵ «حیات دل»، «نورانیت قلب» و حلاوت زندگی دوستداران خدا^۶ و اهل تقوا و یقین^۷ می‌شود که هر یک را می‌توان به بعدی از ابعاد نشاط اشاره دانست. بر همین مبنا است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این گونه به درگاه خداوند متعال دعا می‌کند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مَشْغُولِينَ بِأَمْرِكَ... شَاكِرِينَ عَلَى نِعْمَائِكَ، مُتَلَذِّذِينَ بِذِكْرِكَ»^۸ خداوند! ما را به کار خودت سرگرم بدار... و [ما را] بر نعمت‌هایت، سپاسگزار، و از یادت، لذت‌برنده قرار بده.

خلاصه اینکه خداباوری باعث می‌شود که انسان بر اساس خواست خداوند متعال، لذت‌های مادی و معنوی را با همه ابعادش تأمین کند و در نتیجه، نشاط مادی و معنوی تحقق یابد و بدین وسیله همه ابعاد شادکامی تحقق می‌یابد.

^۱ همان، ص ۸۹

^۲ - مائده: ۸۷

^۳ - رعد: ۲۸.

^۴ - بیهقی، شُعب الإيمان، ج ۱، ص ۳۹۶، ح ۵۲۲.

^۵ - زمر: ۲۲.

^۶ - آمدی، همان، ح ۶۷۰

^۷ - همان، ح ۵۱۷۴

^۸ - سبزواری، همان، ص ۳۶۴، ح ۱۰۱۳.

۷. نتیجه

بررسی منابع اسلامی نشان می‌دهد که شادکامی، حقیقتی است که بر یک سری واقعیت‌ها مبتنی است. بر اساس تفکر توحیدی اسلام، این حقیقت توسط خداوند متعال به وجود آمده و واقعیت‌های آن را او تعیین و تنظیم کرده است. این حقیقت را «واقعیت‌های توحیدی» نامیدیم. کسی که بخواهد به شادکامی دست یابد، باید تمام ابعاد وجودی خود (یعنی شناخت‌ها، احساسات و عواطف و رفتارها) را متناسب با این واقعیت‌ها تنظیم کند؛ این کار را «هماهنگ‌سازی با واقعیت‌های توحیدی» می‌نامیم. البته لازمه این امر، شناخت حقیقت شادکامی و واقعیت‌های آن است که آن را «واقعیت‌شناسی توحیدی» می‌نامیم. ایمان و خداباوری، اساس شادکامی است. کسی که می‌خواهد به شادکامی دست یابد، باید ایمان را با تفسیری که گذشت، داشته باشد. این ایمان موجب شکر در خوشایند، صبر در ناخوشایند، رغبت به طاعت، کراهت از معصیت، و نشاط در زندگی می‌شود.

آشنایی با سیره و سخن اسوه‌های آسمانی و معصومان علیهم‌السلام، بار سنگین سختی‌ها را کاسته و ما را هدفمند می‌گرداند و تمامی ناهمواری‌های زندگی با آرمانی الهی و روحانی هموار خواهد شد.

چگونگی تأثیر این باور، خود یک مسئله است که باید آن را بررسی کرد. این مسئله را «الگوی ایمان شادکامی» می‌نامیم و هدف آن این است که مشخص کند، ایمانی که می‌خواهد شادکامی را محقق سازد، چه ویژگی باید داشته باشد. در پاسخ باید گفت که این امر در دو سطح تأثیر می‌گذارد: در سطح نخست، افرادی که از ایمان - با تفسیری که گذشت - بهره‌مندند، به برنامه خدا در باره شادکامی «اعتماد» پیدا می‌کنند که از آن با نام «خدامحوری در زندگی» یاد می‌کنیم. این خود جزئی از ایمان و خداباوری است که هر دو مؤلفه رضامندی و نشاط را پوشش می‌دهد. بدیهی است که افراد با ایمان در تمام ابعاد زندگی، خدا را محور و اساس عملکرد خود قرار می‌دهند. در سطح دوم، موجب می‌شود که، اولاً: انسان همه امور هستی را بنابر تقدیر خداوند متعال بداند که از آن با عنوان «ایمان به تقدیر» یاد می‌شود، و سپس تقدیر او را نیز بر خیر و مصلحت و سود انسان مبتنی بداند. این باور که از دیگر اجزای ایمان می‌باشد، در دو سطح تأثیر می‌گذارد: در سطح نخست، موجب «رضایت» از تقدیر خداوند متعال می‌شود که یکی از مؤلفه‌های اساسی شادکامی است. اما در سطح دوم، موجب می‌شود که فرد، واکنش مثبت و الهی به تقدیرهای چهارگانه خداوند داشته باشد که هر کدام از این واکنش‌ها، ابعاد دیگری از ایمان می‌باشند.

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم، ترجمه مترجم: محمدمهدی فولادوند، نشر گیسوم، ۱۳۹۰ هـ.ش.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه انتشارات حضور، ۱۳۸۱ هـ.ش.
- مفاتیح الجنان، عباس قمی؛ عبدالرحیم افشاری، ترجمه موسوی دامغانی، نشر گیسوم، ۱۳۹۰ هـ.ش.

الف) کتب فارسی

- ۱- آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، شرح و ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- ۲- پسندیده، عباس، مبانی و عوامل شادکامی از دیدگاه اسلام با رویکرد روانشناسی مثبت‌گرا، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم، ۱۳۹۲ هـ.ش.
- ۳- زرینی، سحر، اثربخشی آموزش خلاقیت بر شادکامی و جهت‌گیری زندگی دانش‌آموزان دختر شهرستان ساری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۴ هـ.ش.
- ۴- طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی، ۱۳۶۳ هـ.ش.
- ۵- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۲ هـ.ش.
- ۶- لقمانی، احمد، نگاهی نو در آینه معارف به خنده شوخی شادمانی، قم، انتشارات عطر سعادت، چاپ پنجم، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- ۷- محمدی ری شهری، محمد، دانش‌نامه میزان الحکمه، ج ۸، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۴ هـ.ش.

ب) منابع عربی

- ۸- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الامالی، تحقیق: مؤسسه البعثه، قم، مؤسسه البعثه، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- ۹- ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد بن حنبل، بیروت، دارصادر، بی‌تا.

- ١٠- ابن فارس، ابوالحسين احمد، **معجم المقاييس فى اللغة**، ذيل ماده، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى، ١٤٠٤ هـ.ق.
- ١١- ابن ماجه قزوينى، محمد بن يزيد، **سنن ابن ماجه**، تحقيق محمدفواد عبدالباقى، بيروت، دارالفكر، بى تا.
- ١٢- ابن منظور، محمد بن مكرم، **لسان العرب**، دار احياء التراث العربى، ١٤١١ هـ.ق.
- ١٣- بيهقى، احمد بن الحسين، **شعب الإيمان**، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٠ هـ.ق.
- ١٤- حر عاملى، محمد بن حسن، **وسايل الشيعه**، بيروت، داراحياء التراث العربى، چاپ پنجم، ١٤٠٣ هـ.ق.
- ١٥- حرانى، على بن حسين ابن شعبه، **تحف العقول**، تهران، انتشارات كتاب فروشى اسلامى، ١٣٦٠ هـ.ش.
- ١٦- سبزوارى، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، تحقيق علاء آل جعفر، قم، مؤسسه آل البيت، ١٤١٤ هـ.ق.
- ١٧- كراچكى، محمد بن على، **كنز الفوائد**، به كوشش عبدالله نعمه، قم، دار الذخائر، ١٤١٠ هـ.ق.
- ١٨- مجلسى، محمدباقر، **بحار الانوار**، بيروت، داراحياء التراث العربى، چاپ سوم، ١٤٠٣ هـ.ق.
- ١٩- ورام المالكى، مسعود بن عيسى، **تنبيه الخواطر**، بيروت: مؤسسه الاعلمى، بى تا